

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۲ مارچ ۲۰۲۳



یونس نگاه

## نوروز چرا پایدار است؟

سه روز مانده به نوروز، عده‌ای از هموطنان بی‌آنکه نامی از جشن بگیرند، به دامنه‌ها رفته سبزه لگد کردند، در هوای تازه نفس کشیدند، خستگی‌های زمستان را از تن بدر نموده و با دوستان تفریح کردند. این گل‌گشتی و تفریح در سراسر افغانستان رایج است و آنانی که فرصتی و بضاعتی دارند، این روزها در غرب، شمال، مرکز، جنوب و جنوب‌شرق کشور از خانه‌ها بیرون شده به محیط‌های سبز، دشت‌ها و دامنه‌ها می‌روند. با آمدن طالبان موسیقی متأسفانه کم رنگ شده و دیگر بندرت و تنها دور از چشم طالبان عده‌ای شاید بتوانند مثل گذشته با دایره، دمبوره، غیچک و تنبور به دامنه‌ها بروند، اما با وجود محدودیت‌ها و تبلیغات بسیار علیه تفریح، نوروز و شادی، مردم پیش از رسیدن نوروز، روزها است که عکس‌های گل‌گشتی و تفریح خود را در رسانه‌های اجتماعی شریک می‌کنند.



دشمنی با نوروز سابقه طولانی دارد. بسیار کوشیده شده این

جشن مردمی را با تیغ مذهب حرام کنند و شک و تردیدهای بسیاری در دل انسان‌های مؤمن کاشته‌اند، اما نوروز همچنان پایدار مانده است. دیروز، جمعه، ملاهای وابسته و همسو با طالبان در مساجد از غیراسلامی بودن نوروز سخن

رانند و تجلیل این عید مردمی را گناه شمردند. در رسانه‌های اجتماعی برخی نمازگزاران از این رویه ملامت‌های شکایت کرده و عده‌ای نوشته بودند که با آغاز تبلیغات ضد نوروزی، آن‌ها مسجد را ترک گفته بودند. در همان لحظاتی که ملامت‌های متعصب مشغول تبلیغ بودند، دامنه‌ها و دشت‌ها بسیار پرتر از برخی مساجد بودند. بسیاری از مؤمنان، نماز جمعه را در دشت‌ها و روی سبزه‌ها برگزار کردند. ملامت‌ها شاید با وصل کردن روایات و تبلیغات مذهبی عده‌ای را از جشن بهاری و میله نوروز بترسانند، اما بسیاری وقتی می‌بینند نوروز در فهرستی از حرام‌هایی چون موسیقی، رقص، تعلیم دختران، آزادی گشت‌وگذار، حق کار، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی پوشش، رفاه، دموکراسی و امثال آن گذاشته شده، به میله بهاری و نوروز بیشتر دل بسته می‌شوند.

در تقویم روز مشخصی نشانی شده و قرن‌ها است که شروع هر سال هجری خورشیدی را نوروز می‌نامند؛ اما نوروز همان‌طوری که در تفسیر ملامت‌های متعصب نمی‌گنجد، به آن روز قراردادی و تقویمی نیز محدود نمی‌شود. بعد از نیمه‌های ماه حوت که عطر گل و سبزه از دشت‌ها و دره‌ها به خانه‌های مردم می‌آید، ده‌ها میلیون انسان از غرب چین تا شرق اروپا با کاشتن سبزه، پختن غذاهای لذیذ، پوشیدن لباس نو، پای‌کوبی، پریدن از روی آتش، برگزاری محافل خانوادگی و محلی و رفتن به دامنه‌ها و دشت‌ها به پیشواز بهار می‌روند. بخش بزرگی از این جشن‌های بهاری با نام نوروز پیوند دارند. چارشنبه سوری، نوروز، میله گل سرخ، سبزه بهار و مناسبت‌ها و جشن‌های محلی دیگری که در مدت بیش از یک ماه (اواسط حوت تا نیمه‌های حمل) برگزار می‌شوند، بر گرد نام نوروز می‌چرخند.

سابقه نوروز را برخی به آئین‌های زردشتی و تعدادی به آئین‌های باستانی بسیار قدیم‌تر از زردشتی نسبت می‌دهند؛ اما در گذشته نوروز هر رابطه‌ای اگر با آئین‌های مذهبی داشته، اکنون نه مذهبی و نه ضد مذهبی است، بلکه صاف و سچ میله مردمی و جشن استقبال از نوزائی طبیعت است. از این رو نوروز مشروعیتش را از دستورهای نوشته‌شده در کتاب‌ها و حکایات ملامت نمی‌گیرد، بلکه از گردش زمین و خورشید، تحویل فصل و سال، روئیدن سبزه و گل، هوای پاک و شادی می‌گیرد. در محیطی که همه‌چیز با خطکش مذهب سنجیده شود، میل به داشتن فرصتی که در آن بتوان از چوکت‌های ذهنی تحمیل شده بر زندگی رها گردید و به قاعده طبیعت تن داد، اگر افزایش نیابد، کم نمی‌شود. از همین رو وقتی قمچین ملامت در سال ۲۰۰۱ از سر مردم برداشته شد، نوروز و میله‌های بهاری طبیعی و بدون هیچ‌گونه حمایت دولتی به زندگی مردم برگشت. آنانی که در زمان طالبان با ترس لباس شسته پوشیده به دامنه‌ها می‌رفتند، با سقوط اداره آن گروه با شور و شوق گردهم می‌آمدند، به پارک‌ها و دامنه‌ها می‌رفتند، موسیقی می‌نواختند و پای‌کوبی می‌کردند. چند سال بعد از سقوط طالبان، میله گل سرخ چون زمان‌های پیش از جنگ، به رونق رسیده بود و هر بهار صدها هزار وطن‌دار ما از سراسر افغانستان به مراسم جهنده‌بالای سخی، میله گل سرخ مزار و گردش بهاری می‌رفتند. مناسبت‌های دیگری چون میله گل ارغوان، میله گل بادام، میله گل سیب و میله گل نارنج نیز رونق گرفته بود. این میله‌ها با محافل فرهنگی همراه می‌شد و شاعران، ادیبان و هنرمندان آثار خود را با علاقه‌مندان شریک می‌کردند. طالبان با هموار کردن لحاف تفسیر تاریکی که از مذهب و زندگی دارند، برخی از این مناسبت‌ها را تکفیر و دیگران را از رونق انداخته‌اند. حاکمیت تکفیری زندگی را بر مردم تلخ کرده و بدون شک هزینه بسیاری بر باشندگان امروز وطن تحمیل کرده است. نوروز فراگیرتر و ریشه‌دارتر از آن است که طالبان قادر به تخریبش شوند. اما، رنج روزهایی که مردم ما بی‌شادی و بی‌نوروز سپری می‌کنند، جبران‌ناپذیر است. نوروز و محدودیت‌های تحمیل‌شده از سوی طالبان بر تفریح و شادی، ضرورت مبارزه برای آزادی را برجسته‌تر می‌سازد.

فاصله نوروز از مذهب، به پایداری و بقایش کمک کرده است. در افغانستان نوروز جشن همه است. سنی‌ها، شیعیان و آدم‌های غیرمذهبی همه در میله گل سرخ، سبزه لگد کردن و جشن‌های بهاری شرکت می‌کنند. مواجه ساختن مذهب با

نوروز، مثل مواجه کردن دین با مکتب و دانشگاه آفت گذرا است و با نورمال شدن اوضاع همان طوری که مردم بدون تفکیک قوم و مذهب و زبان به مکتب و دانشگاه خواهند رفت، به میله گل سرخ و جشن های بهاری نیز روی خواهند آورد. فراتر از سرزمین ما، نوروز اقوام و ملت های گوناگون را پیوند می دهد و چون دورانی که مرزهای سیاسی کنونی شکل نگرفته بود، از کاشغر تا قونیه و از اربیل تا سمرقند مردان و زنان بهار را خجسته می دارند و از رفتن سرما و کرختی زمستان شادمانی می کنند. زمستان سیاسی حاکم بر افغانستان نوروز ما را کمرنگ کرده است و تا زمانی که صاحب دولتی مسؤول نشویم و به آزادی های لازم برای تأمین رفاه و آسایش دست نیابیم، متأسفانه همچنان کمرنگ خواهد ماند.